

روابط ویژه دو نسل انقلابی بروید سراغ حاج آقا روح الله!

آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی و امام خمینی (ره) دو چهره مهم و تاثیرگذار دوره معاصر ایران بوده‌اند. این دو، هرچند متعلق به دو نسل متفاوت از علمای شیعه بودند اما به دلیل روحیه انقلابی و اندیشه سیاسی نزدیک به هم روابط خاصی با یکدیگر داشتند. این روابط در زمانه‌ای که تبلیغات مسموم استعمار انگلیس و روشنفکران غرب‌گرا آیت الله کاشانی را به انزوا کشانده بود جلوه بیشتری داشت. امام خمینی (ره) بعدها از شرایط سختی که بر آیت الله کاشانی گذشته بود



با حالتی اندوهناک یاد کرد و گفت: «ما در زمان خودمان آقای کاشانی را دیدیم. آقای کاشانی از جوانی در نجف بودند و یک روحانی مبارز بودند. مبارزه با استعمار، آن وقت البته انگلستان بود مبارزه با او. در ایران هم که آمدند تمام زندگی شان صرف همین معنا شد و من از نزدیک ایشان را می‌شناختم. در یک وقت وضع ایشان طوری شد که وقتی که از منزل می‌خواست حرکت کند فرض کنید بیایند به مسجد شاه، مسجد شاه مطلع می‌شد، در نظر داشتند، اعلام می‌شد، این طور بود وضع ایشان. بعدش دیدند که اگر چنانچه یک روحانی در میدان باشد لابد اسلام را در کار می‌آورد، این حتمی است و همین طور هم بود. از این جهت شروع کردند به جوسازی. آن طور جوسازی کردند که یک سگی را عینک به آن زدند و آن طور که من شنیدم عینک زدند و از طرف مجلس آوردند این طرف و به اسم آیت الله. و من خودم در یک مجلسی بودم که مرحوم آقای کاشانی وارد شد در آن مجلس، مجلس روضه بود، هیچ کس پا نشد، من پا شدم و یکی از علمای تهران که الان هم هستند و من جا دادم به ایشان (جا هم ندادند). این جو را درست کرده بودند برای آقای کاشانی که دیگر از منزلش نمی‌توانست بیرون بیاید، در یک اطاقی محبوس بود در منزلش طوری که نمی‌توانست بیرون بیاید.» (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۴۸ و ۲۴۹)

در چنین زمانه‌ای امام خمینی (ره) روابطی گرم با آیت الله کاشانی داشت و هرگاه به تهران می‌رفت به دیدار ایشان می‌شتافت و پس از درگذشت آیت الله کاشانی برای وی مجلس ختم برگزار کرد. آیت الله کاشانی هم نگاه ویژه‌ای به امام خمینی (ره) داشت. نقل است در زمانی که «آیت الله کاشانی در بستری بیماری افتاده بود، امام خمینی به عیادت ایشان رفت. بعد از آنکه امام در کنار تخت آیت الله کاشانی نشست، پس از احوال‌پرسی، دست ایشان را در دست گرفت و برای شفایشان دعا کرد. در این هنگام، آیت الله کاشانی در حضور جمعی که به عیادتش رفته بودند، امام خمینی (ره) را مخاطب قرار داد و گفت: همه می‌دانید که من اهل تملق نیستم. به جدم قسم شما خیرالموجودین و امید ملت هستید. شما را در بین مراجع، از همه بهتر می‌دانم و این اعتقاد من است.» (محلّاتی، ۱۳۷۶: ص

۲۸ و ۲۹) و یا این‌که گفته می‌شود آیت الله کاشانی پس از رحلت آیت الله بروجردی، خطاب به جمعی از مردم که از وی درباره مرجع بعد از آیت الله بروجردی پرسیده بودند، چنین پاسخ داده بود: «بروید سراغ حاج آقا روح الله!» (سید حسن طاهری خرم‌آبادی، ۱۳۷۸: ص ۸۵ و ۸۶)

یکی از اشتراکات ذهنی و فکری امام خمینی (ره) و آیت الله کاشانی ضرورت دخالت علمای اسلام در امر سیاست بود. امام خمینی (ره) که خود پرچم‌دار این اندیشه در میان علمای معاصر است در بیان خاطره‌ای به نقل از حاج آقا روح الله خرم‌آبادی درباره آیت الله کاشانی چنین گفته است: «مرحوم آقای کاشانی را که تبعید کرده بودند به خرم‌آباد و محبوس کرده بودند و در قلعه فلک الافلاک یا کجا، آقای حاج آقا روح الله می‌فرمودند که من از آن کسی که رئیس ارتش آنجا، و آقای کاشانی هم تحت نظر او بود و محبوس بود - من حالا وقتی می‌گویم محبوس در زمان رضاخان، شما خیال می‌کنید مثل حبس‌های عادی زمان‌های دیگر بود، البته پسرش هم مثل پدر بود لکن آن کسی که گرفتار می‌شد اگر از اشخاصی عادی بود همچو مرعوب می‌شد که در حبس یک کلمه‌ای که برخلاف مثلاً دولت یا آن کسی که در آنجا هست بزنند، امکان نداشت برایشان - مرحوم حاج آقا روح الله گفتند که من از این رئیس ارتش که در آنجا بود خواهش کردم که من را ببرد خدمت مرحوم آقای کاشانی، قبول کرد و ما را بردند پیش ایشان. آن رئیس، آنجا بود و من هم بودم و آقای کاشانی. آن شخص شروع کرد صحبت کردن، و رو کرد به آقای کاشانی که آقا شما چرا خودتان را - قریب به این معانی - به زحمت انداختید؟ آخر شما چرا در سیاست دخالت می‌کنید؟ سیاست، شأن شما نیست، چرا شما دخالت می‌کنید؟ از این حرف‌ها شروع کرد گفتن. آقای کاشانی فرمودند: خیلی خری! که این کلمه در آن وقت مساوی با قتل بود. ایشان گفتند: تو خیلی خری، اگر من دخالت در سیاست نکنم، کی دخالت کند؟» (صحیفه امام، ج ۱۳، ۴۲۹ تا ۴۳۱)

منابع

- امام خمینی (ره). صحیفه امام. جلد سیزدهم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹.
- امام خمینی (ره). صحیفه امام. جلد هجدهم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹.
- طاهری خرم‌آبادی، سید حسن. خاطرات آیت الله طاهری خرم‌آبادی. جلد اول. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
- محلّاتی، فضل‌الله. خاطرات و مبارزات شهید محلّاتی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.